

مقایسه منطق الطیر عطار و منطق الطیر خاقانی

راضیه سلمان پور

کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی و علوم و قرآن و حدیث و مدرس مراکز
پیش‌دانشگاهی فسا و شیراز

کلیدواژه‌ها: منطق الطیر، عطار،
خاقانی، سیمرغ، سالک

مقدمه

عنوان منطق الطیر عطار و خاقانی برگرفته از زبان مرغان از قرآن است که از ابتدا مورد نظر بسیاری از شاعران و اندیشمندان بوده است. چنان‌که استاد فروزانفر در این مورد چنین می‌گوید: این کتاب که عطار آن را گاهی منطق الطیر و زمانی «منطق الطیور» نامیده و دیگران عنوان «طیورنامه» هم به آن داده‌اند از لحاظ لفظ و معنی در شمار دلکش‌ترین کتاب‌هایی است که از این جنس در زبان و ادبیات فارسی به جهانیان عرضه شده است.

مجموعه‌ای از لطایف حکمی و نکات قرآنی و اشارات مصطفوی و عبارات اولیای حق که در بهترین قالب فارسی گنجانیده شده است. (شمیسا، ۱۳۷۳: ۲۹) چنان‌که در آخر منطق الطیر به این نام چنین اشاره کرده است:
ختم شد بر تو چو بر خورشید نور
منطق الطیر و مقامات طیور
ایشان معتقد است که به دو دلیل عطار

کامل، مراد و محبوب مطلق، هدف آفرینش می‌دانند؛ با این تفاوت که خاقانی در این قصیده بعد از توصیف صبح و ستایش کعبه به توصیف پرندگان می‌پردازد. تعدادی از پرندگان درباره بهترین گل سخن می‌گویند و سرانجام همه برای داوری به درگاه عنقا می‌روند. او بعد از توصیف همه گل‌ها، گل محمدی را به‌عنوان بهترین گل برمی‌گزیند؛ به‌دلیل اینکه عرق پیامبر اکرم (ص) است و از این طریق وارد مدح پیامبر (اکرم) می‌شود.

در منطق الطیر عطار هسته مرکزی مسئله وحدت وجود است. سالک (مرغان) در راه سیر و سلوک به رهبری پیر طریقت و راه‌شناسی به نام هدهد راه عرفان را طی می‌کند. چراغ این راه عشق است نه عقل که راه پر از خطر و رهن حواس و تعلقات دنیوی و تمایلات نفسانی است. منازل این راه بر حسب تقسیم عطار عبارت‌اند از: طلب، عشق، معرفت، استغنا، توحید، حیرت، فقر و فنا. سالکان (سی مرغ) بعد از طی این مراحل و پشت‌سر گذاشتن سختی‌ها و ناملایمات به سیمرغ می‌رسند؛ سیمرغی که در اصل خودشان هستند که همان کثرت در وحدت و وحدت در کثرت است.

چکیده

«منطق الطیر» عطار و «منطق الطیر» خاقانی از نظر وزن و بحر، قالب، بیان، پیرنگ، سبک، تعداد ابیات و آرایه‌های ادبی با هم متفاوت‌اند. ولی در بعضی موارد اشتراکاتی دارند. از جمله، سرابندگان هر دو در سرودن شعرشان به «رسالة الطیر» احمد غزالی نظر داشته‌اند و عطار علاوه بر آن به رساله ابن‌سینا هم نظر داشته است. در هر دو اثر، مرغان در مجمعی جمع می‌شوند و هر کدام نقشی بازی می‌کند. تعداد مرغان در هر دو اثر متفاوت است. در منطق الطیر خاقانی مرغان بسیار محدودند: فاخته، بلبل، قمری، ساری، صلصل (فاخته، ککو)، تیهو (پرنده‌ای از دسته کبک‌ها)، طوطی، هدهد. در حالی که مرغان در منطق الطیر عطار بسیار زیاد و بی‌شمارند و عطار از آن‌ها به «مرغان جهان» یاد می‌کند. البته از این همه مرغ، فقط سی مرغ بعد از طی مراحل زیاد به سیمرغ احدیت می‌رسند. در هر دو اثر مرغان به سوی سیمرغ می‌روند و سیمرغ نمایشگر وحدت وجود است.
هر دو به مدح پیامبر اکرم (ص) پرداخته‌اند و پیامبر (ص) را مصداق عالی‌ترین انسان



حالی که تعداد ابیات منطق الطیر عطار را ۴۳۰۰ تا ۴۶۰۰ نقل کرده‌اند ولی نسخه صادق گوهرین مشتمل بر ۴۶۹۶ بیت و بیشتر حجم آن حکایات و تمثیل است. به گفته سیروس شمیسا، «از نظر داستانی می‌توان آن را به سه بخش تقسیم کرد: بخش اول داستان اصلی منطق الطیر، بخش دوم داستان معروف شیخ صنعان و بخش سوم حکایات کوتاهی که در تمام کتاب پراکنده است. (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۹۶) در بین داستان‌های فرعی که در منطق الطیر آمده‌اند، طولانی‌ترین و مفصل‌ترین داستان، داستان شیخ صنعان است که با این بیت شروع می‌شود:

شیخ صنعان پیر عهد خویش بود
در کمالش هر چه گویم بیش بود

به گفته عبدالحسین زرین کوب، «داستان شیخ صنعان لطف و سوزی خاص دارد که این شیخ به قول عطار پیر وقت خویش بوده و مریدان بسیار داشته است. از قضای بد عاشق دختر ترسایی می‌شود و به تبع او زنار می‌بندد ولی سرانجام، عاقبت به خیر می‌شود. این داستان، یک داستان رمزی است و سرگذشت روح پاک است که از دنیای جان به عالم ماده می‌آید، و در آنجا گرفتار دام تعلقات می‌گردد و به همه چیز آلوده می‌شود و اصل خود را فراموش می‌کند. اما سرانجام جذبه غیبی او را درمی‌یابد و او را به مقر علوی و دنیای پاک می‌برد و نجات می‌دهد.» (زرین کوب، ۱۳۶۲: ۱۷۵)

جلال‌الدین همایی می‌گوید: «شیخ صنعان در این منظومه شیخ عبدالرزاق صنعانی است که داستان او تقریباً همین‌طور که در منطق الطیر عطار آمده در کتاب نحفة الملوک امام محمد غزالی مسطور است و اطلاع ما از این کتاب مرهون نسخ عکسی است که مجتبی مینوی از کتابخانه‌های ترکیه برای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران عکس‌برداری کردند.

دنباله مطلب در وبگاه نشریه

استدلال منطقی». (پورنامداریان، ۱۳۸۳: ۴۰۴)

منطق الطیر عطار و خاقانی مشترکات و مفترقاتی دارد که بعضی از آن‌ها در اینجا بیان می‌شود.

تفاوت‌ها ۱. قالب

منطق الطیر عطار در قالب مثنوی و منطق الطیر خاقانی در قالب قصیده در دو مطلع است. مطلع اول در توصیف صبح و کعبه است. اولین بیت مطلع اول چنین است:

زد نفس سر به مهر صبح ملّم نقاب
خیمه روحانیان کرد معنبر طناب

(دیوان: ۲۳۹)

مطلع دوم در توصیف بهار و مناظره پرندگان در مورد انتخاب بهترین گل که به همین دلیل نام این قصیده را منطق الطیر نامیده‌اند و سرانجام، مدح پیامبر (ص) است.

سیدضیاءالدین سجادی می‌گوید: «تخلص مطلع دوم به مناسب گل محمدی یا گل سرخ که مطلوب بلبل است، به مدح حضرت رسول اکرم، محمد مصطفی (ص) است.» (سجادی، ۱۳۷۴: ۱۴۷۱)

اولین بیت مطلع دوم چنین است:

رخش به هرا بتاخت بر سر صفر آفتاب
رفت به چرب آخوری گنج روان در رکاب

(دیوان: ۲۳۹)

۲. وزن و بحر

منطق الطیر عطار بر وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلات» و در «بحر رمل مسدس مقصور» و منطق الطیر خاقانی بر وزن «مفتعلن مفتعلن فاعلان» در «بحر منسرح مثنی موقوف» و در وزن دوری است.

۳. تعداد ابیات

نخستین تفاوتی که بین منطق الطیر عطار و منطق الطیر خاقانی به چشم می‌خورد، کمیت و حجم آن‌هاست. منطق الطیر خاقانی ۶۵ بیت است؛ در

«منطق الطیر» را به جای «منطق الطیور» برگزیده است:

۱. زیرا این اصطلاح به همین صورت در قرآن مجید آمده است؛ یعنی «منطق الطیر» گرفته شده از آیه «و ورت سلیمان داود و قال یا ایها الناس علمنا منطق الطیر و اوتینا من کل شیء ان هذا لهو الفضل المبین» (نمل/۱۶۷)

۲. منطق الطیر نیز به معنی زبان پرندگان است؛ زیرا «طیر» ج «طائر» است. (شمیسا، ۱۳۷۳: ۸)

به گفته استاد شفیعی کدکنی یکی از قدیمی‌ترین متون است که در آن به مسئله زبان مرغان و کشف رمز آوازهای ایشان پرداخته است، کتاب «الفصول» عبدالوهاب بن محمد (قرن چهارم) است که از علمای کرامی خراسان در نیمه قرن چهارم بوده است. ابوبکر عتیق سوریانی یا سوراآبادی (قرن پنجم) همان کتاب عبدالوهاب ابن محمد است.

«به لحاظ تاریخی، رساله الطیر ابن سینا (۴۲۸-۳۷۰) باید از قدیمی‌ترین متون موجود در حوزه سفر مرغان باشد. سه‌رودی این کتاب را ترجمه کرده است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۲۲-۳۲)

بعد از ابن سینا، امام محمد غزالی (و: ۵۰۵) سفر روحانی را به صورت داستان مرغانی که به جست‌وجوی عنقا آغاز می‌کنند، به عربی به رشته تحریر درآورده است. برادرش، احمد غزالی، آن را ترجمه کرده و عطار به آن نظر داشته است. بعد از رساله الطیور نجم‌الدین رازی است (و: ۶۵۴) که ظاهراً در سال ۵۹۰ نوشته شده است. (پورنامداریان، ۱۳۸۳: ۱۵-۴۲۳)

«در رساله الطیرها نیز نفوس مستعد به صورت پرندگانی ظاهر می‌شوند که با پرواز خود موانع سفر را یکی پس از دیگری طی می‌کنند تا به اصل و پادشاه خویش بپیوندند. این پیوند پس از ریاضت و ترک حواس صورت می‌گیرد و در حالتی میان خواب و بیداری، یا مرگ ارادی و معرفت عرفانی نیز از طریق کشف و شهود به دست می‌آید و نه از طریق آگاهی و